

گفت و گو با مجرمی که با معرفی خود به عنوان مامور، دختران را اغفال می کرد

دختران به یک عکس اعتماد می کردند

استفاده از لباس پلیس ترفندی بود که دزد جوان برای اجرای نقشه اش به کار می برد و خیلی خوب هم این شگردش می گرفت. متهمی که با این بهانه با دختران زیادی آشنا شده و اعتمادشان را جلب کرده بود. مهدی پس از آن، پیشنهاد ازدواج را مطرح می کرد و همین مساله، شک را به یقین تبدیل می کرد و اعتماد صد درصدی دختران جوان را به دست می آورد، نقشه هایی که در سر داشت را اجرا می کرد. این هفته رودرروی این مجرم نشسته و حرف های او را شنیدیم.

❖ با قربانیان چطور آشنا شدی؟

ابتدا به بازار رفتم و یک دست لباس نظامی و چند سر دوش از درجه سروانی به بالا تهیه کردم. بعد به آتلیه رفتم و با لباس نظامی و درجات عکس انداختم. چند عکس با لباس نظامی باعث شد دنبال کننده های زیادی پیدا کنم. در میان این افراد می گشتم و دخترهای پولدار را پیدا می کردم و با آنها طرح دوستی می ریختم.

❖ بعد چه اتفاقی می افتاد؟

لباس نظامی کار خودش را می کرد و آنها خیلی زود به این دوستی پاسخ مثبت می دادند و من هم در تمامی موارد اعلام می کردم قصدم ازدواج است و با این شگرد از اعتماد بیشتر طعمه هایم برخوردار می شدم.

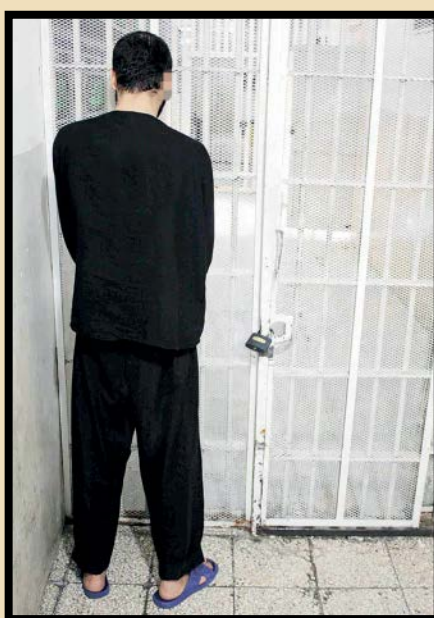
❖ نقشه ات چه بود؟

دخترها که اعتماد می کردند به بهانه صحبت درباره آینده و دیدن خانواده ام، آنها را به باغی در اطراف تهران می کشاندم. در راه با این ترفند که تشنه هستم آبمیوه تهیه کرده و داروی بی هوشی داخل آن می ریختم. قربانیان که نیمه بیهوش می شدند به داخل باغ می کشاندم و آنها را مورد آزار و اذیت قرار می دادم. بعد هم با سرعت پول و طلاهای آنها، رهایشان می کردم.

❖ اما ظاهر فیلم و عکس هم از آنها می گرفتی؟

نمی گرفتم اما به دروغ می گفتم فیلم و عکس گرفتم تا بتوانم آنها را مجاب کنم به خواسته ام عمل کنند.

❖ چه خواسته ای؟



اخاذی. بی شک زمانی که به باغ می آمدند خیلی پول و طلا با خودشان نداشتند اما وقتی نجات پیدا می کردند اگر هم پول و طلائی نداشتند، باز هم از ترس آبرویشان مجبور می شدند از دیگران قرض بگیرند و خواسته مرا برآورده کنند.

❖ فکر نمی کردی دستگیر شوی؟

چون احتمال می دادم آنها نزد پلیس شکایت کنند، با مطرح کردن ماجرای فیلم و عکس، آنها را تهدید می کردم.

❖ چرا فقط پول و طلا سرقت می کردی؟

گوشی تلفن همراه در دستر دار. متهمان زیادی از طریق همین گوشی های سرقتی بازداشت شده اند. از طرفی اگر یک گوشی خیلی مدل بالا را هم سرقت کنم در بازار بدون کارتن نهایت بتوانم دو تا سه میلیون تومان پول به دست بیاورم. به در دسرش نمی ارزد برای همین از اول که این کار را شروع کردم با خودم گفتم گوشی خط قرمزت باشد.

❖ چه شد که این شگرد را برای رسیدن به خواسته ات انتخاب کردی؟

شگرد را در فیلم ها دیدم. اما باور کنید تقصیر خود شکات است.

❖ چرا تقصیر آنهاست که تو مرتکب جرم شده ای؟

وقتی پلیس این همه هشدار می دهد مواظب این جور سرقت ها و کلاهبرداری ها باشید ولی مالباخته ها و قربانیان توجه نمی کنند. چرا باید آدم ها به فضای مجازی اعتماد کنند. گاهی اوقات اخباری را می خوانم در خصوص متهمان که خانواده هایشان می گویند ما از اصل ماجرا خبر نداشتیم و فکر می کردیم فرد درستی باشد. چطور می توان در فضای مجازی کسی را شناخت. اگر کسی دنبال همسر هم باشد در فضای مجازی پیدا نمی کند.

محکمه

معمای قتل هولناک ۲ مرد در کانکس

مرتضی در ادامه صحبت های خود در دادگاه گفت: «آن شب چون وسیله ای برای بازگشت به خانه نداشتم، با پسر خاله ام تماس گرفتم، اما پاسخ نداد. به او پیامی فرستادم و از او خواستم دنبالم بیاید. مدتی منتظر ماندم، اما خبری از پسر خاله ام نشد و این بار به دختر خاله ام پیامک ارسال کردم و از او خواستم تا برادرش را به سرعت دنبالم بفرستد. اما همین موضوع و آتن دهی گوشی موبایلم در نزدیکی محل جنایت، باعث شد اشتباهی بازداشت شوم. من قربانی ها را ندیده، آنها را نمی شناختم و هیچ خصوصیاتی به هیچ کدام نداشته ام.» ابراهیم سومین متهمی بود که برای ادای توضیحات پشت تریبون دادگاه حاضر شد. او نیز مدعی بود چون هنگام آتش سوزی در آن حوالی حضور داشته، پلیس بی دلیل او را بازداشت کرده است. ابراهیم ادعای بی گناهی کرد و گفت هیچ دستی در این ماجرا ندارد. در این مرحله قضات از شاهدانی که در محل کانکس شعله ور حضور داشتند، پرسیدند که آیا متهمان را دیده اند که از کانکس خارج شوند؟ که پاسخ شاهدان منفی بود.

به این ترتیب قضات دادگاه پرونده را لووت تشخیص داده و حکم به برگزاری مراسم قسامه صادر کردند، اما اولیای دم دو قربانی گفتند نمی توانند ۵ نفر از بستگان نسبی خود را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کنند و آنها هم قسم را به متهمان واگذار کردند. سه متهم نیز قسم خوردند که بی گناه هستند و به این ترتیب هر سه نفر آنها از حکم قصاص تبرئه شدند. در حالی که هر سه متهم تصور می کردند از طناب اعدام گریخته اند، اما دیوان عالی کشور حکم هر سه را نقض و از نحوه برگزاری مراسم قسامه ایراد گرفت.

با شکستن حکم تبرئه سه متهم در دیوان عالی کشور، پرونده قتل اکبر و میثم برای انجام تحقیقات بیشتر دوباره به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا پرده از راز قتل دو مرد جوان برداشته شود.

سر مهدی، مرتضی و ابراهیم حالا تنها چند قدم با چوبه دار فاصله دارد. هر سه، متهم به قتل دو مرد آن هم به بدترین و فجیع ترین شکل ممکن هستند. به دلیل پیچیدگی پرونده و به دستور دادگاه، مراسم قسامه برگزار و حکم اعدام هر سه شکسته شد، اما دیوان عالی کشور حکم را نقض و خواستار تحقیقات بیشتر درباره قتل این دو مرد شد.

سال ۹۹ بود که آتش گرفتن یک کانکس در شهرری، امدادگران آتش نشانی را به آنجا کشاند. آتش نشان ها پس از مهار آتش به جست و جو پرداختند و دو جسد سوخته که دست و پای شان قطع شده بود، پیدا کردند. اجساد به پزشکی قانونی منتقل شد و پلیس تحقیقات برای یافتن قاتل یا قاتلان را آغاز کرد. بر اساس بررسی های پلیس، قاتل یا قاتلان به احتمال زیاد هر دو مرد را در جای دیگری به قتل رسانده و پس از قطع دست و پای شان، اجساد آنها را در داخل کانکس به آتش کشیده بودند. شدت سوختگی هر دو مقتول به حدی بود که اجساد قابل شناسایی نبودند و پزشکی قانونی نتوانست علت اصلی مرگ آنها را تشخیص دهد.

❖ متهمان مرموز

پس از مدتی، تلاش های پلیس برای شناسایی هویت دو قربانی نتیجه داد و خانواده های هر دو شناسایی شدند. دو مرد بخت برگشته میثم و اکبر نام داشتند.

پدر میثم در تحقیقات به پلیس گفت: «پسرم از مدتی قبل با یکی از دوستانش به نام مهدی اختلاف حساب داشت. گمان می کنم مهدی در قتل دست داشته باشد.» مهدی دوست ۲۶ ساله میثم